

# بازگشایی دیر هنگام مدارس

## علی اصغر فانی

سال تحصیلی 1402-1403 با پنج هفته تاخیر با به کارگیری بازنشسته‌ها، نیروهای آزاد، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان بدون گذراندن دروس معلمی و کارورزی، پذیرفته‌شدگان آزمون استخدامی ماده 28 بدون طی مراحل آموزشی و اولیای دانش‌آموزان و... آغاز شد. با استفاده نکردن از تجربیات مدیریتی سال‌های قبل این وزارتخانه معظم، نتیجه‌ای دیگر جز این نمی‌توان انتظار داشت. از سال‌ها قبل با طرح «پروژه مهر» برنامه بازگشایی مدارس از بهمن ماه کلید می‌خورد و تا مهرماه سال بعد ادامه می‌یافت تا با چنین پدیده‌ای که امسال شاهد بودیم مواجه نشویم. زیلا به سه واقعه اشاره می‌کنم:

الف- 29 مرداد 1392- دومین روزی که به سرپرستی وزارت آموزش و پرورش دولت اول آقای روحانی- منصوب شده بودم در جلسه‌ای که با مدیران کل حوزه ستادی (حدود 60 نفر) با موضوع بازگشایی مدارس داشتم، آقای رحیمی مدیرکل ابتدایی وقت اعلام کردند برای اول مهر یعنی 33 روز دیگر 24 هزار معلم برای تدریس پایه ششم ابتدایی کم داریم که لازم است اشاره کنم با تدبیر این مشکل حل شد و سال تحصیلی 92-93 به خوبی و با نظم آغاز شد. شعار من این بوده است که «اول مهر، اول مهر است».

ب- اول مهر 1393 - تماسی تلفنی با مدیرکل تهران بزرگ داشتم و از آقای چهاربند پرسیدم که چند کلاس بدون معلم در سراسر تهران دارید؟ گفت: سه کلاس. گفتم: چرا معلم ندارند؟ گفت: یک مورد معلم در بازگشت از سفر اتومبیلش دچار نقص فنی شده است. دیگری پایش شکسته و سومی با تاخیر به تهران رسیده است.

ج- اول مهر 1402- وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد: بیش از 23 هزار معلم کم داریم و علت آن را کم‌کاری دولت قبلی دانست. برای جبران این نقیصه از طریق پیامک از بازنشستگان دعوت به کار شد. یکی از دوستان بازنشسته‌ام که متولد 1320 است و در دبیرستانی که من دانش‌آموز بودم، ایشان معلم بودند نیز از دریافت‌کنندگان پیامک بوده‌اند.

علاوه بر بازنشستگان، از نیروهای آزاد، اولیای دانش‌آموزان، قبول‌شدگان آزمون ماده 28، دانشجو معلمان بدون گذراندن دوره‌های

آموزشی از قبیل فن معلمي و آموزشهاي فن معلمي و... براي اداره کلاسهاي بدون معلم استفاده کرده و حتي اين عمل باعث به هم ريختن سازماندهي نيروي انساني مدارس غيرانتفاعي نيز شد، زيرا وقتي اين اقدامات صورت گرفت و هنوز مشکل حل نشد، با تمديد مهلت ثبت نام در سامانه از معلمين آزاد شاغل در مدارس غيرانتفاعي دعوت به همکاري نمودند و تعدادي از آنها را با هدف استخدام در مدارس دولتي جذب کردند.

اين سوال همچنان باقي است که اصرار بر دانشگاه فرهنگيان و شهيد رجايي به عنوان تنها مجري تامين و تربيت نيروي انساني که آثاري اينچنيني دارد که به بخشي از آن اشاره شد، منطقي به نظر ميرسد؟ در آينده بيشتر به آن خواهيم پرداخت.

هزينه هر روز آموزشي در کشور در سال جاري بيش از 1000 ميليارد تومان است. هر روز تاخير در بازگشايي مدارس و يا تعطيلي کلاسهاي درس 1000 ميليارد تومان براي کشور هزينه و زيان به همراه دارد. قبلا در يکي از يادداشتها نوشتم که 50 درصد نيروي انساني موجود آموزش و پرورش، تربيت معلم ندیده هستند يعنی اينکه دورههاي حرفه اي معلمي را طي نکرده اند. حالا با اتفاقاتي که در مهرماه 1402 رخ داده اين درصد از 50 درصد بالاتر رفته است. اقدامات عجولانه اي که در مهر 1402 صورت پذيرفت نيروهايي را جذب کرد که صرفا کلاسهاي درس را پر ميکنند. حالا چگونه تدریس کنند بايد دید و قضاوت کرد.

براي حل مشکل پيش آمده، پيشنهاده ميشود:

1- دانشجومعلمين و پذيرفته شدگان آزمون ماده 28 روزهاي پنجشنبه و جمعه و همچنين تابستان 1403 واحدهاي لازم و کسري دروس خود را بگذرانند و تکميل کنند .

2- نيروهاي آزاد مورد ارزيابي قرار گيرند. خروجي اين ارزيابي به دو گروه تقسيم ميشوند:

الف- گروه اول کساني هستند که ارزيابي آنها مثبت بوده و ميتوان با آموزش ايشان از وجودشان در آينده استفاده کرد.

ب- گروه دوم کساني که ارزيابي آنها منفي بوده، موقتا با آموزش از وجودشان استفاده کرده و به تدريج با نيروهاي ذيصلاح جايگزين شوند. در نهايت تاکيد ميکنم که برنامه جامع ده ساله نيروي انساني آموزش و پرورش تدوين شود و همچنين روشهاي تامين نيروي انساني در آموزش و پرورش مورد بازبيني قرار گيرد.